

# صورت‌بندی کلی رویکردهای مختلف در قلمرو مناسبات علم و دین

عطاالله رفیعی آتانی

---

کتاب نقد ماموریت جدید خود را بررسی و نقد نظریات و رویکردهای مهم در قلمرو علم دینی در ایران و جهان تعریف کرده است. مسئله و ماجرای نسبت علم و دین یکی از چالش‌های اساسی علمی و عملی معاصر در ایران و جهان است. بدون توجه به دیدگاه‌ها و چاره‌جویی‌های غربیان در این عرصه (که با تنزل و ترقیق دین تا آنجا که ممکن بوده است دین را به نفع علم از صحنه زندگی حذف کرده است) در جهان اسلام و ایران نیز در این زمینه، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است. برخی از این نظریات ماجرا را با حاکمیت علم بر دین فیصله داده‌اند، نظریه راه طی شده مهندس بازرگان و قبض و بسط تنوریک شریعت دکتر سروش، در چارچوب این رویکرد قرار می‌گیرد.

بر این اساس تلاش شده و می‌شود که دین و معارف دینی به وسیله دستاوردهای علمی تاویل و تفسیر شود. برای نمونه دکتر سروش که در همه آثارش چنین رویکردی را تبیین کرده و یا مفروض انگاشته، اخیراً جای جدی برای دین در زندگی فائل نیست. مهندس بازرگان، البته مومنانه‌تر در چنین مسیری طی طریق کرده است. خروجی این رویکرد را می‌توان «دین علمی» نامید. رویکرد دیگر تلاش می‌کند تا به نوعی این چالش را - البته با تفاوت‌هایی - با حاکمیت دین پایان دهد. خروجی این رویکرد را می‌توان «علم دینی» نامید. البته برای برخی هنوز تکلیف موضوع روشن نیست و به همین دلیل، هم‌چنان مسأله را به صورت نسبت علم و دین مطرح می‌کنند.

در چارچوب رویکرد دوم تلاش می‌شود که با مدد معارف دینی، تولید علم صورت پذیرد. اسلامیت علم در این چارچوب خود دارای رویکردهای مختلفی است. به نظر می‌رسد که اسلامیت موضوع، غایت، پژوهشگر و منبع شناخت، ملاک‌های خوبی برای دسته‌بندی همه این دیدگاه‌هاست. بر اساس نظریه آیت‌الله جوادی آملی موضوع علم ملاک اسلامیت است و از آن‌رو که موضوع هیچ علمی از قلمرو، فعل و قول خدا خارج نیست، بنابراین علم اگر علم است حتماً دینی است.<sup>۱</sup> بر اساس نظر آیت‌الله مصباح یزدی و شهید مطهری - با تفاوت‌هایی - اسلامیت علم به اسلامیت غایت علم است. البته غایت از منظر شهید مطهری عمدتاً اجتماعی‌تر (اهداف جامعه اسلامی) و از منظر علامه مصباح یزدی عمدتاً فلسفی‌تر است (سعادت انسان). همه این رویکردها در شمارگان آتی این فصلنامه مورد بررسی و نقد واقع خواهند شد.

بر اساس رویکرد سوم، علم دینی محصول نظریه‌پرداز دینی است؛ در این

۱. این رویکرد در شمارگان ۶۹ تا ۷۱ فصلنامه کتاب نقد مورد بررسی و نقد قرار گرفت.

چهارچوب نظری، نظریه پرداز برساخته جهان بینی و ایدئولوژی جامعه دینی، مستغرق در باورها و ارزش های دینی، جهان و واقعیت را «دینی» خواهد دید و دینی تفسیر و تبیین خواهد نمود. نظریه دکتر گلشنی در این چارچوب قرار می گیرد. ظرفیت ها و محدودیت های این رویکرد - البته مرتبط با تبیین دکتر گلشنی - در این شماره، نقد و بررسی شده است. بر اساس رویکرد چهارم (منبع شناخت) ملاک اسلامیت علم، نه اسلامیت موضوع، نه عالم و نه معلوم بوده بلکه فقط به «اسلامیت علم» است.

در این چارچوب نظری نیز نحله های مختلفی شکل گرفته است. برخی ورود گزاره های دینی را فقط در حوزه فروض نظریات علمی (و با حفظ ملاک علمیت علم در روش تجربی)، جائز می شمارند. نظریه دکتر خسرو باقری که در این شماره مورد نقد و بررسی واقع شده در این چارچوب قرار می گیرد. بر اساس نحله دیگری در همین چارچوب نظری، به کارگیری روشمند آموزه های وحیانی در کنار عقل و تجربه در قلمرو ماموریت علم، به تولید گزاره های علمی منجر می شود. این رویکرد دارای سابقه طولانی در تمدن اسلامی به ویژه شیعی بوده است. براساس نحله دیگری در این چارچوب نظری اساسا تمام ماموریت علمی در چارچوب نصوص دینی قابل پیگیری است. کتاب نقد در شماره های آتی به نقد و بررسی تمام این رویکردها همت خواهد گماشت.